



با آن مشخصاتی که آقای غریب پور از این نقش داده بودند و با راهنمایی ایشان، نقش را دریافتم و توانستم آن را منتقل کنم من حس می‌کنم که رگه‌هایی از طنز در همین نقش هم وجود دارد و این طنز لازمه کار است، تا آن تلخی نمایش بینوایان را کمی خنثی کند.

□ در واقع این نقش با کارهای قبلی شما فرق می‌کند؟

■ در سال ۷۰ نوشته‌ای از آقای «اکبر رادی» به نام «هملت با سالاد فصل» را در سالن اصلی تئاتر شهر بازی کردم. در آن نمایش من نقش زنی را از سلسله قاچار بازی می‌کردم. نقش طنز و کمدی بود و خیلی هم خوب از کار درآمده بود. بازیگر دوست ندارد که درجا بزند و خودش را تکرار کند. متأسفانه بسیاری از کارگردان‌های ما معمولاً وقتی یک بازیگر در یک نقش خوب بازی می‌کند، دوست دارند او را در همین تیپ در کارهای مختلف تکرار کنند. من نمی‌خواستم که با آن نوع بازی ثابت بمانم و بسیار خوشحال که در این کار حضور دارم و یقیناً این نقش متفاوت با کارهای قبلی است. این گروه و این هنرمندان با پشتوانه غنی و ارزشمندی که دارند برای من آموزنده است.

□ چ‌چه پیامی برای نسل معاصر تئاتر ایران دارید؟

■ من آن چیزی را که برای تنها پسر همیشه سفارش می‌کنم، این است که عزیز من، دوستان جوان تئاتری، راهی را که انتخاب می‌کنید اول تمام جوانب آن را در نظر بگیرید. اگر دوست دارید پیشرفت کنید، در هر رشته‌ای باید جوهره‌اش را داشته باشید. خواستن به تنهایی مهم نیست، توانستن مهم است. ایمان به خدا و اعتقاد به او و داشتن امید و پشتکار لازمه هر کاری از جمله تئاتر است.

خانم دیانا در سال ۱۳۲۴ از هنرستان یارید فارغ التحصیل می‌شود و بازیگری حرفه‌ای را از سال ۱۳۳۵ شروع می‌کند، فعالیت در تئاتر، تلویزیون و سینما را در طول سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی در کارنامه هنری خود دارد. وی در سال ۱۳۶۴ با ۲۲ ساله سابقه فعالیت در تلویزیون و بعد هم انتقال به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بازنشسته می‌شود.

□ □ □

□ این سال‌های اخیر کمتر در صحنه‌های تئاتر شما را

دیدیم؟

■ چند سالی از صحنه دور بوده‌ام. البته به علت ناراحتی قلبی که داشتم به خارج از کشور اعزام شدم و پس از مراجعت، به سفرخانه خدا رفتم و حالا هم در نمایش بینوایان در خدمت دوستان هستم.

□ چ‌چه نقشی را در این نمایش بازی می‌کنید؟ و چ‌طور به

این گروه پیوستید؟

■ من نقش مادام «ماگلوال» را بازی می‌کنم. خدمتکارخانه اسقف. در مورد پروژه بینوایان، از من دعوت شد تا در این کار حضور داشته باشم. متن را مطالعه کردم، متن خوبی است و همین خوب بودن متن مرا وسوسه کرد تا دوباره روی صحنه بیایم. البته مقداری اضطراب درونی داشتم، نمی‌دانستم که دوباره می‌توانم روی صحنه بروم یا نه و بالاخره سعی کردم نقش مورد نظر را با کمک آقای غریب پور بازی کنم و فکر می‌کنم ایشان از بازی من راضی هستند. البته این راهم بگویم اگر کارگردانی را قبول نداشته باشم، هرگز با او کار نمی‌کنم. اگر چه همیشه سعی کرده‌ام آدم متواضعی باشم و خوب البته در جای خودش هم پرخاشگر هستم، وقتی که بحث کار باشد.

□ چ‌طور به این نقش رسیدید؟

■ بازیگری یک تجربه است و هر نقش چیز دیگری به انسان می‌آموزد. هر بازیگری دوست دارد نقش‌های مختلف را تجربه کند. من البته بیشتر بازیگر نقش‌های طنز و کمدی بودم، شاید به این دلیل بود که از دوران بچگی تقلید می‌کردم و تقلید خوبی بودم. نقش‌های جدی هم بازی کرده‌ام.

